

به نام خداوند جان و خرد

تعریف کلمه و انواع آن :

کلمه : یک لفظ معنادار است که از مجموعه ی چند حرف تشکیل شده است . **استثناء :** حرف ربط «و» که یک حرف دارد .
انواع کلمات : کلمات شامل ۹ بخش می باشد . «اسم ، صفت ، عدد ، کنایه ، فعل ، قید ، حرف اضافه ، حرف ربط ، شبه جمله »
در ادامه به تعریف و توضیح برخی از آن ها پرداخته می شود .

ترکیب وصفی و ترکیب اضافی و روش تشخیص آن ها

ترکیب وصفی تشکیل شده است از: (اسم + صفت) **ترکیب اضافی تشکیل شده است از: (اسم + اسم)**
برای تشخیص این ترکیب ها از هم کافی است که نوع کلمات هر ترکیب را بشناسیم که **اسم** است یا **صفت** . که اگر هر دو کلمه ی ترکیب ، **اسم** بود؛ آن ترکیب «**اضافی**» و اگر یک کلمه **اسم** و کلمه ی دیگر **صفت** بود آن ترکیب «**وصفی**» است .
اسم : اسم کلمه ای است که برای نامیدن شخص ، حیوان ، گیاه ، مکان ، اشیاء و ... به کار می رود .
صفت : کلمه ای است که همراه اسم «قبل یا بعد از آن» می آید ؛ و در مورد آن توضیح می دهد «و ویژگی آن را بیان می کند .»
مثال : در ترکیب های: **گل خوش بو ، مداد سبز ، ماشین بزرگ و غذای گرم . کلمات: گل ، مداد ، ماشین و غذا «اسم»**
و کلمات: خوش بو ، سبز ، بزرگ و گرم «صفت» می باشد
نکته ۱ : نوع یک کلمه در برخی موارد می تواند تغییر کند . مثلاً : «**سبزی** است اما با افزودن (ی) به **اسم** تبدیل می شود سبز «**صفت**» + ی ← سبزی «**اسم**»

نکته ۲ : نوع کلمه ممکن است با توجه به استقرار آن در جمله تغییر کند .
گل های **زیبا** در باغ است . **زیبا** به مدرسه آمد . محمد شعر **رازیبا** می خواند .
که کلمه ی «**زیبا**» در جمله ی اول «**صفت**» است . در جمله ی دوم «**اسم**» و در جمله ی سوم «**قید**» می باشد .
اما اگر تشخیص نوع کلمه (**اسم یا صفت بودن**) مشکل بود می توان از روش های زیر استفاده نمود .
۱- افزودن (**تو**) یا (**ترین**) به کلمه ی دوم ترکیب ۲- برداشتن «**ربط**» بین دو کلمه ی ترکیب و افزودن یکی از افعال ربطی «**است ، بود ، شد**» به آخر جمله ۳- افزودن «**ی**» بین دو کلمه

که اگر در یکی از موارد فوق، جمله و یا ترکیب **دارای معنا** بود ، آن ترکیب ، **وصفی** و در غیر این صورت **ترکیب اضافی** است .
نکته : البته روش های دیگری نیز برای تشخیص ترکیب ها وجود دارد که نیازی به تشریح آن ها نیست .

جمله ، ارکان «اجزای» جمله ، انواع جمله

تعریف جمله : جمله عبارت است از یک یا چند کلمه که در کنار هم ، معنا و مفهومی را به شنونده یا خواننده برساند .

مثال : ۱- امیر به خانه آمد . ۲- بیا ۳- رفتم «**جمله**» هستند .

فعل : قسمت (جزء) اصلی جمله است که «انجام دادن کار» یا «داشتن حالتی» را بیان می کند .

با توجه به تعریف فعل «تعریف فوق» می توان **دو نوع جمله** را تعریف نمود .

* اگر فعل جمله «انجام دادن کار» را بیان کند به آن فعل «**غیر ربطی یا غیر اسنادی**» و به آن جمله «**فعلیه یا غیر اسنادی**» می گویند. مثال: عارف از مدرسه آمد. که «آمد» انجام کار آمدن را نشان می دهد. فعل **غیر ربطی** و این جمله «**جمله فعلیه**» است. * اگر فعل جمله «**داشتن حالتی**» را بیان کند به آن فعل «**ربطی یا اسنادی**» و به آن جمله «**اسمیه یا اسنادی**» می گویند. مثال: هوا سرد است. «است» فعل ربطی و جمله «**اسمیه یا اسنادی**» می باشد.

افعال ربطی: است، بود، شد، گشت، (گردید) فعل های ربطی هستند.

افعال غیر ربطی: سایر فعل ها که در جمله، انجام دادن کاری را بیان می کند. را افعال غیر ربطی می گویند.

ارکان (اجزای جمله)

ارکان اصلی در جمله ی **فعلیه** شامل: **فاعل**، **مفعول**، **فعل غیر ربطی** می باشد.

ارکان اصلی در جمله ی **اسمیه یا اسنادی** شامل: **مسند الیه**، **مسند**، و **فعل ربطی** می باشد.

نکته: البته در جمله می تواند علاوه بر این اجزاء، شامل اجزای دیگری (حرف ربط و اضافه، قید و ...) باشد.

فاعل: کسی یا چیزی که کار انجام می دهد. **مفعول:** کسی یا چیزی که کار روی آن انجام می شود.

مثال: محمد کتاب را برداشت محمد (فاعل) کتاب (مفعول) **نکته:** معمولاً مفعول قبل از حرف اضافه (را) می آید.

فعل ناگذر به مفعول (لازم): فعلی است که به **مفعول نیازی نداشته باشد** و معنی جمله با فاعل کامل شود.

مثال: حسن آمد حسین رفت

فعل گذرا (متعدی): فعلی است که علاوه بر فاعل به **مفعول نیاز دارد**.

مثال: محمود کتاب را آورد محمد، برادرش را دید.

مفعول فعل متعدی مفعول فعل متعدی

آرایه ادبی (عناصر، صنایع ادبی):

«مبالغه، کنایه، تشبیه، شفعصیت بفضلی (جان بفضلی)، تضاد، تناسب (مراعات نظیر)»

مبالغه: بزرگنمایی یا توصیف پدیده ها و رویدادها بسیار بیش از آنچه که هست.

خروشید و جوشید و برکنند خاک ز سمش زمین شد همه چاک چاک

که شاعر در اثر گذاشتن **سم اسب بر زمین** بزرگنمایی نموده است.

نکته: فردوسی از آرایه مبالغه در آثار خود بیشترین استفاده را نموده است.

کنایه: صحبت غیر مستقیم در مورد یک مطلب «کنایه عبارت است از پوشیده سخن گفتن که دارای دو معنای دور و نزدیک است که هدف گوینده

معنای دور آن است). مثال: آب از دستش نمی چکد. **کنایه از خسیس بودن.** **نکته:** همه ضرب المثل ها کنایه هستند

تشبیه: «مانند کردن» چیزی یا کسی را به چیزی یا کسی دیگر مانند نمودن.

ارکان تشبیه: مشبه، مشبه به، ادات (ابزار تشبیه)، وجه شبه مثال: «معلم مانند شمع می سوزد»

معلم «مشبه» مانند «ابزار تشبیه» شمع «مشبه به» وجه شبه «نفع رساندن به دیگری» می سوزد: فعل غیر ربطی

شخصیت بخشی: (جان بخشی یا تشخیص) که نویسنده در آثار خود از زبان اشیاء یا موجودات دیگر سخن می گوید و به آنها کارهای انسانی را نسبت می دهد.

مثال: در شعر **میوه ی هنر** شاعر به درخت سپیدار، تبر و شعله جان می دهد و از زبان آنها سخن می گوید.

نکته: پروین اعتصامی در نوعی از اشعار خود که به **مناظره** مشهور می باشد از زبان اشیاء یا سایر موجودات سخن گفته است.

تضاد: آوردن کلمات متضاد (مخالف) که باعث زیبایی سخن می شود. **مثال:** نیکی و بدی که در نهاد بشر است شادی و غمی که در قضا و قدر است.

تناسب (مراعات نظیر): آوردن کلمات متناسب با یکدیگر، از نظر جنس یا زمان یا مکان، مشابهت و ...

مثال: ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند کلمات «ابر، باد، مه، خورشید، فلک» از نظر نوع «جنس» با هم تناسب دارند.

قالب های شعری - قافیه - ردیف

قالب شکلی است که قافیه به شعر می بخشد؛ و تفاوت قالب ها در چگونگی آرایش قافیه ی آنها است.

قالب های شعری معرفی شده در فارسی ششم ابتدایی: **مثنوی - غزل - قصیده و قطعه**

مثنوی: قالبی است که مصراع های هر بیت با یکدیگر، هم قافیه اند. و قافیه هر بیت با بیت های دیگر متفاوت است.

مثال: شعر نیایش پایان کتاب فارسی ششم در قالب **مثنوی** است.

غزل و قصیده: این دو قالب از نظر آرایش قافیه ها مشابه هم هستند. مصراع اول بیت اول با مصراع دوم همه بیت ها با هم «هم قافیه» هستند.

مثال: شعر «ای مادر عزیز» و «وطن» در کتاب فارسی ششم.

قطعه: در قالب **قطعه** مصراع های دوم هر بیت (مصراع های زوج) با هم هم قافیه اند.

مثال: شعر «میوه هنر» درس پانزدهم فارسی ششم

نکته: البته توضیحات تکمیلی و تفصیلی در مورد «قالب های شعری» را در سال های آتی خواهید آموخت. «ان شاء الله»

در **شمارش جمله ها** موارد زیر را باید مد نظر داشت: * شمارش فعل های موجود. * فعل های حذف شده * منادا * شبه جمله ها

نکته: در مورد متون نظم و نثر کهن، ابتدا باید آن متن را به فارسی روان امروزی بازگردانی نمود.

مثال: خدایا؛ کاش مردم قدر این کتاب آسمانی را می دانستند و قدر این پیامبر را

که شامل **چهار جمله** می باشد. ۱- خدایا (منادا) ۲- کاش (شبه جمله) ۳- می دانستند (فعل موجود) ۴- می دانستند (فعل حذف شده)

استفاده از پسوند «گذار و گزار»

گزار: معنی ادا کردن و انجام دادن **مثال:** خدمت گزار- سپاس گزار- شکر گزار

گذار: به معنی نهادن، قراردادن **مثال:** قانون گذار- پایه گذار- بنیان گذار

ماده یا بن فعل: جزء اصلی فعل است که **معنی فعل** را در بر دارد و در همه ی ساخت های فعل **ثابت** است.

هر فعل دو ماده «بن» دارد. «ماضی، مضارع» می رفتم «بن ماضی: رفت» می روم «بن مضارع: رو»

انواع ساختهای فعل ماضی و مضارع:

شخص	ماضی	مضارع	شخص	ماضی	مضارع
اول شخص مفرد	رفتم	می روم	اول شخص جمع	رفتیم	می رویم
دوم شخص مفرد	رفتی	می روی	دوم شخص جمع	رفتید	می روید
سوم شخص مفرد	رفت	می رود	سوم شخص جمع	رفتند	می روند

صامت و مصوت: صامت: منظور از صامت تمامی نشانه های زبان فارسی می باشد منظور حروف الفبای فارسی البته بدون حرکت یا صداهای دیگر.

مصوت: منظور همان صداهای کوتاه و کشیده **آ او ای** می باشد

نکته: صامت ها در زبان فارسی ۲۹ مورد و مصوت ها ۶ مورد می باشند.

شبه جمله: کلمه ای است که به تنهایی معنی یک جمله دارد.

نمونه هایی از شبه جمله ها (کاش، الهی، مرجبا، به به، آه، عجب، شگفتا، آری، بله، چشم و ...)

حروف ندا(نشانه های ندا): ای، یا، ایا «قبل از منادا» و الف بعد از منادا

منادا: کلمه ی بعد یا قبل از حرف ندا را **منادا** می گویند. **نکته:** در برخی موارد منادا بدون حرف ندا می آید.

نکته: اگر صدای آخر یک کلمه مصوت باشد در صورت اضافه کردن یک کلمه دیگر به آن و ساخت یک ترکیب جدید باید از یک صامت

میانجی استفاده نمود. دریا + آبی = دریای آبی مو + سپید = موی سپید

انواع کلمات:

ساده: کلمه ای که با هیچ پسوند و پیشوندی ترکیب نشده است. **مثال:** پول، شهر

مشق: کلمه ای که با یک پسوند و یا پیشوند ترکیب شده است **مثال:** بی پول، شهردار

مرکب: کلمه ای که از ترکیب دو کلمه ساده (مستقل) به وجود می آید. **مثال:** کتاب خانه - نوروز

ضمیر: کلمه ای است که جانشین اسم می شود، و نقش های آن را می پذیرد. ضمائر انواع مختلفی دارد؛ که ۲ نوع آن عبارتند از:

۱- ضمائر منفصل (جدا) «من - تو - او - ما - شما - آنها(ایشان)» ۲- ضمائر متصل (پیوسته) «م - ت - ش، مان، تان، شان «

حروف: حرف کلمه ای است که معنی مستقلی ندارد؛ و بر سه نوع مهم می باشد:

حرف اضافه: «برای اضافه کردن کلمه ای به کلمه یا جمله ی دیگر» **مثل:** از، با، برای، به، بهر، بی، تا، و....

حرف ربط: «ربط دادن کلمه ها و جمله ها « **مثل:** اگر، اما، پس، تا، و، چه زیرا، که و...

حرف نشانه: «مشخص کردن نقش کلمه در جمله « **مثل:** «را» نشانه ی مفعولی، «یا، ای» نشانه ی ندایی و...

قید: کلمه ای است که: زمان، مکان، یا چگونگی و حالت انجام یافتن فعل را نشان می دهد. قید انواع مختلف و متنوعی دارد که از مهم ترین آن ها: *

قید زمان مثل: «امروز، ناگاه، همیشه» * قید مکان مثل: «آنجا، بالا، همه جا، بیرون» * قید حالت مثل: «آهسته، سواره، خندان، مردانه»

تشخیص تفاوت یا تشابه کلمات در گزینه ها:

برای این منظور باید معیار و ملاک تفاوت یا تشابه بین کلمات گزینه ها را پیدا نمود، سپس گزینه صحیح را پیدا نمود

مثال: کلمه کدام گزینه با بقیه تفاوت دارد؟ الف) علم ب) عمل ج) علوم د) معلوم

که ملاک و معیار هم خانواده بودن است.

نهاد و گزاره: که مربوط به جملات خبری می باشد

نهاد: کسی یا چیزی که در مورد آن خبری می دهیم **گزاره:** خبری که در مورد نهاد داده می شود.

نکته: برای تعیین نهاد و گزاره یا سایر اجزای یک جمله اگر از متون کهن است، حتماً باید آن را ابتدا به زبان امروزی بازنویسی نمود، سپس اجزای

آن را مشخص کرد.

تاریخ و ادبیات:

دانش آموزان عزیز: قسمت نام نامه (اعلام) آخر کتاب فارسی در حد نام شخصیت ها و آثار آنها را مطالعه نمایید.

و کلام آخر: دانش آموزان عزیز؛ به معنی لغات و واژه های کهن و بازگردانی متون کهن توجه خاصی داشته باشید، زیرا اکثر سوالات به نوعی به

این نکته مهم مربوط می شود.